

رابطه محافظه‌کاری با استراتژی‌های حسابرسی به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار

مصطفی عبدی*

دانشجوی دکتری، حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

حسن زلفی

استادیار، حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مهدی کاظمی علوم

دانشجوی دکتری، حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

چکیده

محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار یکی از عواملی است که بر ریسک پروژه حسابرسی تاثیر می‌گذارد. حسابرسی به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار، استراتژی‌های گوناگونی را اتخاذ می‌نمایند. برای آزمون رابطه محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار با بکارگیری استراتژی‌های مختلف توسط حسابرسی به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار، داده‌های ۱۳۶ شرکت (۶۸۰ مشاهده) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ جمع‌آوری شد. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون چندگانه و با بکارگیری داده‌های ترکیبی و رگرسیون لجستیک مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که محافظه‌کاری صاحبکار، حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش داده و بین محافظه‌کاری مشروط صاحبکار و صدور اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت حسابرسی رابطه معکوس وجود دارد. همچنین بین محافظه‌کاری مشروط صاحبکار و تناوب تغییر حسابرسی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. بنابراین یافته‌های پژوهش نشان داد که حسابرسی برای صاحبکاران دارای محافظه‌کاری حسابداری بالاتر، به صورت معناداری حق‌الزحمه حسابرسی کمتر، ارائه کمتر اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت و همچنین دارای تناوب تغییر کمتری می‌باشند و این موضوع در راستای این دیدگاه می‌باشد که محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار، ریسک پروژه حسابرسی را کاهش می‌دهد.

واژگان کلیدی: اظهارنظر حسابرسی، تغییر حسابرسی، ریسک پروژه حسابرسی، حق‌الزحمه حسابرسی، محافظه‌کاری.

۱. مقدمه

محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های مهم سیستم اطلاعات حسابداری (لی و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۸۳) و همواره اصلی پایدار در حسابداری بوده است (گارسیا و همکاران^۲، ۲۰۰۷: ۷) که موجب محدود نمودن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت می‌گردد (بلیک و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۱). به گفته رضازاده و آزاد (۱۳۸۷: ۶۳) به دنبال افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، سودمندی محافظه‌کاری به عنوان یکی از خصوصیات کیفی صورت‌های مالی مورد تایید قرار می‌گیرد. واتز و زیمرمن^۴ (۱۹۸۶) در تعریف محافظه‌کاری چنین نوشته‌اند: محافظه‌کاری یعنی این‌که حسابدار باید از بین ارزش‌های ممکن برای دارایی‌ها، کمترین و برای بدهی‌ها، بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر (کردستانی و امیریگی، ۱۳۸۷: ۹۰).

محافظه‌کاری صاحبکار یکی از عواملی است که بر ریسک پروژه حسابرسی تاثیر می‌گذارد. دو دیدگاه در ارتباط با تاثیر محافظه‌کاری صاحبکار بر ریسک پروژه حسابرسی ارائه شده است. دیدگاه اول اشاره به رابطه معکوس محافظه‌کاری صاحبکار با ریسک پروژه حسابرسی دارد. بر اساس این دیدگاه محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار، موجب کاهش ریسک ذاتی صاحبکار و به دنبال آن موجب کاهش ریسک پروژه حسابرسی می‌شود. محافظه‌کاری موجب کاهش ریسک ذاتی از طریق شناسایی به موقع اخبار بد، مانند هزینه‌های کاهش ارزش^۵ شده و نیز موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی^۶ بین حسابرس و مدیریت صاحبکار می‌گردد (کیم و ژانگ^۷، ۲۰۱۴: ۵ و ۱۱). محافظه‌کاری، ریسک پروژه حسابرسی را به وسیله کاهش ریسک تجاری حسابرس^۸، که عمدتاً شامل ریسک دعاوی حقوقی^۹ و ریسک شهرت^{۱۰} حسابرس است را نیز کاهش می‌دهد. در این راستا واتز^{۱۱} (۲۰۰۳: ۲۰۷) نشان داد که محافظه‌کاری موجب کاهش ریسک دعاوی حقوقی علیه حسابرسان و افزایش مصونیت قضایی آنان می‌شود. به گفته وبر و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۸: ۹۴۶) محافظه‌کاری می‌تواند ریسک شهرت حسابرس را از طریق کاهش رویدادهای منفی در داخل شرکت، مانند ارائه نادرست با اهمیت که موجب کاهش توانایی جذب و حفظ صاحبکار توسط حسابرسان می‌شود، کاهش دهد و همچنین صاحبکاران محافظه‌کارتر، ممکن است ریسک پروژه حسابرسی را از طریق استقرار نظام راهبری باکیفیت که معمولاً با انتصاب هیئت مدیره مستقل تر (لارا و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۹: ۱۶۱)، استقرار کنترل‌های داخلی قوی تر (گو و لی^{۱۴}، ۲۰۱۱: ۹۷۵)، انتخاب مدیران ریسک‌گریزتر (احمد و دولمن^{۱۵}، ۲۰۱۳: ۲) و کمیته حسابرسی اثربخش و کارا سنجیده می‌شود، کاهش دهند.

دیدگاه دوم بیانگر رابطه مستقیم محافظه‌کاری صاحبکار با ریسک پروژه حسابرسی است. بر اساس این دیدگاه محافظه‌کاری صاحبکار موجب افزایش ریسک پروژه حسابرسی می‌شود. محافظه‌کاری صاحبکار می‌تواند ریسک دعاوی حقوقی حسابرس را افزایش دهد. شناسایی به موقع

اخبار بد، احتمال نقض شرایط قرارداد بدهی را افزایش داده (دفوند و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۶: ۷۰ به نقل از گااو و گو^{۱۷}، ۲۰۱۴) و به دنبال آن ریسک درماندگی^{۱۸} و احتمال بحران مالی^{۱۹} شرکت نیز افزایش می یابد (چن و چرچ^{۲۰}، ۱۹۹۲: ۳۰) و در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که سهامداران شرکت هایی که دچار بحران مالی هستند، از حسابرس شرکت خود شکایت کنند، که این موضوع منجر به افزایش ریسک دعاوی حقوقی حسابرس می شود (پالمروز^{۲۱}، ۱۹۹۷: ۳۶۵). همچنین محافظه کاری صاحبکار می تواند ریسک شهرت حسابرس را افزایش دهد. در این راستا مطالعه چن و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۴: ۲۳۳) نشان می دهد که محافظه کاری صاحبکار، نوسان پذیری سود را افزایش و پایداری سود را کاهش می دهد و از آنجایی که کیفیت حسابرسی^{۲۳} بالاتر مرتبط با سودهای آگاهی بخش تر و یا قابل پیش بینی تر است، در نتیجه صاحبکاران با کیفیت سود پایین تر، حسابرسان خود را در معرض ریسک شهرت بالاتری قرار می دهند (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۰).

چنانچه این استدلال پذیرفته شود که محافظه کاری صاحبکار می تواند ریسک پروژه حسابرسی را افزایش دهد، حسابرسان با چند استراتژی می توانند ریسک حسابرسی را کاهش دهند. یکی از استراتژی های مرتبط برای کاهش ریسک حسابرسی، افزایش تلاش حسابرسی^{۲۴} است. اگر این کار نتواند ریسک پروژه حسابرسی را به سطح قابل پذیرشی کاهش دهد، آن گاه ممکن است حسابرسان، صرف ریسک^{۲۵} حسابرسی را دریافت کنند. به گفته جانستون و بدارد^{۲۶} (۲۰۰۴: ۱۰۰۳) هم افزایش تلاش حسابرسی و هم دریافت صرف ریسک، هر دو حق الزحمه حسابرسی را افزایش می دهد. استراتژی دیگر برای کاهش ریسک پروژه حسابرسی، انتقال ریسک پروژه حسابرسی به صاحبکاران به وسیله کاهش سطح اطمینان لازم برای ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت^{۲۷} است. ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی^{۲۸} صاحبکار، ریسک دعاوی حقوقی حسابرس را کاهش می دهد (کاپلان و ویلیامز^{۲۹}، ۲۰۱۳: ۱۹۹). در نهایت، راهکار دیگر حسابرسان برای کاهش ریسک پروژه حسابرسی، کناره گیری از پروژه حسابرسی است. به گفته شو^{۳۰} (۲۰۰۰: ۱۷۳) حسابرسان می توانند ریسک پروژه حسابرسی را به وسیله تغییر^{۳۱} (کناره گیری) صاحبکاران دارای ریسک بالا^{۳۲} کاهش دهند. در این راستا، بنی مهد و میرعباسی (۱۳۸۹: ۹۵) رابطه معناداری بین محافظه کاری حسابداری و تغییر حسابرس پیدا نکردند، ولی کریشان^{۳۳} (۱۹۹۴)، به نقل از بنی مهد و میرعباسی، (۱۳۸۹: ۹۹) نشان داد بین محافظه کاری حسابداری و تغییر حسابرس رابطه ای مستقیم وجود دارد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه محافظه کاری صاحبکار با حق الزحمه حسابرسی، اظهار نظر حسابرس و تصمیم های مرتبط با تغییر حسابرس می باشد. تمایز این پژوهش با پژوهش های پیشین این است که، پژوهش های قبلی نشان می دهند که محافظه کاری صاحبکار، شرایط قرارداد بدهی را بهبود، کارایی سرمایه گذاری را افزایش، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش و به سهامداران سود می رساند (سوجیس^{۳۴}، ۲۰۰۸: ۱۳۱۲، شهبازی و مشایخی، ۱۳۹۳: ۳۳ و کردستانی و خاتمی، ۱۳۹۵: ۱۰۹) و همچنین انگیزه و توان مدیران در دستکاری اطلاعات حسابداری، تقلیل و هزینه های

نماینده‌گی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده (رضازاده و آزاد، ۱۳۸۷: ۶۳) و در نتیجه قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد (کردستانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۱: ۳۲)، اما شواهد اندکی مبنی بر این که آیا محافظه‌کاری صاحبکار شرایط قرارداد صاحبکار و حسابرس را تحت تاثیر قرار می‌دهد، وجود دارد. حال سوال پژوهش این است اگر محافظه‌کاری صاحبکاران، ریسک پروژه حسابرسی را افزایش دهد، آیا حسابرسان می‌توانند با (۱) افزایش حق‌الزحمه حسابرسی، (۲) ارائه اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت بیشتر و (۳) تناوب بیشتر در تغییر صاحبکار واکنش نشان دهند. همچنین از سوی دیگر اگر محافظه‌کاری صاحبکار ریسک پروژه حسابرسی را کاهش دهد، انتظار بر این است که حسابرسان (۱) حق‌الزحمه کمتر، (۲) ارائه اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت کمتر و (۳) تناوب کمتر تغییر صاحبکار (کناره‌گیری) را داشته باشند. بر این اساس و با توجه به این موضوع که تاثیر محافظه‌کاری بر محتوی اطلاعاتی ارقام حسابداری از موضوعات با اهمیت پژوهش‌های حسابداری محسوب می‌شود، این پژوهش می‌تواند منجر به گسترش ادبیات محافظه‌کاری در حسابداری و نقش آن در قرارداد حسابرس و صاحبکار گردد، بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که محافظه‌کاری صاحبکار چگونه بر استراتژی‌های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار تاثیر می‌گذارد.

در ادامه مقاله، ابتدا به پیشینه نظری، تجربی و فرضیه‌های پژوهش اشاره شده، سپس روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه و در نهایت به نتیجه‌گیری و بحث پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری، تجربی و فرضیه‌های پژوهش

محافظه‌کاری و ریسک پروژه حسابرسی

ریسک پروژه حسابرسی شامل ریسک تجاری صاحبکار، ریسک حسابرسی و ریسک تجاری حسابرس است (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۱). ریسک تجاری صاحبکار^{۳۵} ریسک مربوط به بقاء و سودآوری صاحبکار است. ریسک حسابرسی^{۳۶}، ریسکی است که حسابرس، ناآگاهانه و ناخواسته نتواند به صورت مناسب اظهارنظر خود راجع به صورت‌های مالی را که به صورت با اهمیتی، نادرست ارائه شده است را تعدیل نماید. همچنین ریسک تجاری حسابرس^{۳۷} ریسک هزینه‌های دعاوی بالقوه است. این هزینه‌ها از این ادعا نشأت گرفته که حسابرسی به صورت ناکارا انجام شده است و نیز ریسک سایر هزینه‌ها مانند هزینه‌های بازیابی اعتبار و شهرت^{۳۸} حسابرس است. دو جزء اصلی ریسک تجاری حسابرس، ریسک دعاوی حقوقی و ریسک شهرت حسابرس می‌باشند. ریسک دعاوی حقوقی حسابرس را در معرض جریمه‌های مستقیم مالی قرار می‌دهد، در حالی که از دست دادن شهرت، به توانایی پذیرش و حفظ صاحبکار آسیب می‌رساند. از آنجایی که ریسک پروژه حسابرسی حتی می‌تواند ابهام در تداوم فعالیت موسسه‌های بزرگ حسابرسی را تهدید کند، حسابرسان برای مدیریت این ریسک‌ها از استراتژی‌های مختلف استفاده می‌کنند (دفوند و ژانگ^{۳۹}، ۲۰۱۴: ۲۷۶).

شواهد تجربی و نظری مبنی بر این‌که محافظه‌کاری صاحبکار می‌تواند ریسک پروژه حسابرسی را کاهش دهد، وجود دارد. محافظه‌کاری صاحبکار، ارزیابی حساب‌برس از ریسک پروژه حسابرسی (به صورت خاص، ریسک ذاتی صاحبکار و ریسک تجاری حساب‌برس) را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ریسک ذاتی^{۴۰} از اجزای ریسک حسابرسی است که مرتبط با عوامل محیطی صاحبکار است. محافظه‌کاری صاحبکار، ریسک ذاتی را به دو دلیل کاهش می‌دهد. اولاً انتظار می‌رود محافظه‌کاری، بیش‌نمایی^{۴۱} سود را از طریق کاهش برآوردهای متهورانه مدیریتی، از قبیل بیش ارزیابی^{۴۲} موجودی‌های کالا و حساب‌های دریافتی کم کند. ثانیاً، حساب‌برسان احتمالاً سطح پایین‌تری از ریسک ذاتی را در میان صاحبکاران محافظه‌کار برآورد می‌کنند (دچو و همکاران^{۴۳}، ۲۰۱۱: ۲۲).

محافظه‌کاری می‌تواند موجب کاهش اجتناب مدیریت از افشای اخبار بد، به‌وسیله شناسایی به‌موقع رخدادهای دارای اخبار بد گردد. این کاهش صورت گرفته، عدم تقارن اطلاعاتی بین حساب‌برس و صاحبکار (کیم و ژانگ، ۲۰۱۴: ۹ و ۱۰) و همچنین ریسک ارئه نادرست صورت‌های مالی و مقدار تلاش‌های لازم حساب‌برس را کاهش می‌دهد (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۳). همچنین محافظه‌کاری، ممکن است ریسک تجاری حساب‌برس را که عمدتاً شامل ریسک دعاوی و ریسک شهرت است، کاهش دهد. در این راستا لافوند و واتز^{۴۴} (۲۰۰۸: ۴۴۷) معتقدند که محافظه‌کاری حساب‌داری، احتمالاً تمایل مدیریت برای بیش‌نمایی سیستماتیک سود را با عمل کردن به عنوان یک سازوکار نظام راهبری^{۴۵} محدود می‌کند. ادراج و همکاران^{۴۶} (۲۰۱۲: ۵۰۲) نیز به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بیشتر، تمایل کمتری به مدیریت سود دارند.

محافظه‌کاری به‌وسیله کاهش بیش‌نمایی‌ها در درون شرکت، می‌تواند ریسک دعاوی حقوقی حساب‌برسان را کاهش دهد. منظور از بیش‌نمایی، شناسایی قبل از موعد اخبار خوب و یا به تاخیر انداختن شناسایی اخبار بد شرکت می‌باشد. محافظه‌کاری بیشتر، توانایی حساب‌برسان برای جلوگیری از مدیریت سود را افزایش می‌دهد (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۲). آقاییک‌زاده و همکاران (۱۳۹۶: ۱۷۳) نشان دادند در شرکت‌هایی با محافظه‌کاری بیشتر، میزان واکنش بازار سهام به اخبار خوب (بد)، کاهش (افزایش) می‌یابد. استیس^{۴۷} (۱۹۹۱: ۵۱۶) نشان داد که رشد در دارایی‌های عملیاتی، منجر به افزایش ریسک پروژه حسابرسی می‌شود. با این وجود محافظه‌کاری ممکن است با تسریع در انتشار اخبار بد و به تعویق انداختن انتشار اخبار خوب، برای شاکیان، این ادعا را که زیان آنها به علت گزارشگری مالی متهورانه بوده است را با مشکل مواجه کند.

محافظه‌کاری صاحبکار می‌تواند ریسک شهرت حساب‌برس را نیز کاهش دهد. علاوه بر ریسک دعاوی حقوقی، حساب‌برسان ممکن است شهرت حرفه‌ای خود را به دلیل رخدادهای زیان‌بار^{۴۸} مانند گزارش‌های مطبوعاتی منفی^{۴۹}، بررسی‌های اشتباه حساب‌برسان توسط دولت^{۵۰} (وبر و همکاران، ۲۰۰۸: ۹۴۷) و تجدید ارائه‌های حساب‌داری (هنز^{۵۱} و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰۵۲) از دست بدهند. از آنجا که این رویدادها ناشی از ارائه‌های نادرست در صورت‌های مالی شرکت است، انتظار بر این است که

محافظه‌کاری صاحبکار بتواند ریسک شهرت حسابرس را کاهش دهد (لی و همکاران، ۲۰۱۵: ۸۶). این یافته همسو با نتایج پژوهش هنز و همکاران (۲۰۱۴: ۱۰۵۱) است. آنها نشان دادند زمانی که حسابرسان نتوانند از ارائه نادرست پیشگیری کنند، با احتمال زیادی از کار کناره‌گیری می‌کنند. بر اساس آنچه که گفته شد، محافظه‌کاری در ارتباط با ویژگی‌های نظام راهبری صاحبکار است و انتظار بر این است که بتواند ریسک پروژه حسابرسی را کاهش دهد. این ویژگی‌ها شامل وجود استقلال بیشتر در اعضای هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، استقرار کنترل‌های داخلی اثربخش‌تر و استقرار کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی می‌باشد.

با این وجود، استدلال‌هایی مبنی بر این‌که محافظه‌کاری صاحبکار ریسک پروژه حسابرسی را افزایش می‌دهد، وجود دارد. اولاً شناسایی به موقع اخبار بد، ممکن است موجب نقض مکرر قراردادهای بدهی گردیده و موجب افزایش ریسک درماندگی صاحبکار و ریسک تجاری حسابرس شود. این ادعا در راستای نتایج گیگلر و همکاران^{۵۲} (۲۰۰۹: ۷۶۷) است. آنها نشان دادند که اگر اعتباردهندگان در تشخیص سودهای پایین‌تر که ناشی از محافظه‌کاری بیشتر و عملکرد ضعیف شرکت هست، ناتوان باشند، آنها به احتمال زیاد شرایط اعتباری سخت‌تری را به شرکت تحمیل و موجب افزایش ریسک تجاری حسابرس می‌شوند. شواهد تجربی گاو و گو (۲۰۱۴) نیز از این ادعا حمایت می‌کند. آنها به این نتیجه رسیدند که موسسات اعتباری، به صورت معناداری، هشدارهای نادرست «هزینه بدهی» برای شرکت‌هایی که حسابداری محافظه‌کارانه‌تر دارند، در مقایسه با شرکت‌هایی که حسابداری محافظه‌کارانه ندارند، صادر می‌کنند. اگر رتبه‌بندی اعتباری، شرایط اعتباری شرکت و توانایی شرکت در دسترسی به تامین مالی از طریق بدهی را کاهش دهد، بنابراین محافظه‌کاری صاحبکار می‌تواند ریسک تجاری حسابرس را نیز افزایش دهد. ثانیاً محافظه‌کاری صاحبکار، آگاهی‌دهندگی^{۵۳} و پایداری سود را کاهش داده و حسابرسان را در معرض ریسک شهرت بالاتری قرار می‌دهد (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۲ به نقل از گاو و گو، ۲۰۱۴). همچنین بارث و همکاران^{۵۴} (۲۰۱۳) نشان دادند محافظه‌کاری آگاهی‌بخشی سود را کاهش داده و موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاران به چولگی منفی عایدی تمرکز کنند (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۰ به نقل از بارث و همکاران، ۲۰۱۳). این موضوع در راستای نتایج هفلین و همکاران^{۵۵} (۲۰۱۵: ۶۷۴) است. آنها نشان دادند محافظه‌کاری، پایداری و هموارسازی سود را کاهش و در نتیجه به آگاهی‌دهندگی سود (که توسط ضریب واکنش سود^{۵۶} اندازه گرفته شده بود) آسیب می‌رساند. دچو و تانگ^{۵۷} (۲۰۰۸: ۱۴۲۵) نیز به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری مشروط، نوسان‌پذیری سود را افزایش و پایداری سود را کاهش می‌دهد. تاثیر منفی محافظه‌کاری بر آگاهی‌بخشی و پایداری سود می‌تواند اثراتی در رفتار حسابرسان داشته باشند. این موضوع به این علت است که کیفیت حسابرسی بالاتر در ارتباط با سودهای آگاهی‌بخش‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر می‌باشد. بنابراین صاحبکاران محافظه‌کارتر ممکن است حسابرسان

را در معرض ریسک شهرت بالاتری قرار دهند و انگیزه‌هایی را برای حسابرسان برای کاهش انحراف قابل جبران^{۵۸} که ناشی از محافظه‌کاری است را فراهم نمایند (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۲).

استراتژی‌های حسابرسان در برابر محافظه‌کاری صاحبکار

چنانچه محافظه‌کاری صاحبکار بر ریسک پروژه حساسی تاثیرگذار باشد، آنگاه محافظه‌کاری می‌تواند بر استراتژی‌هایی که حسابرسان برای مواجهه با این ریسک به‌کار می‌گیرند، نیز تاثیر داشته باشد. حسابرسان برای مواجهه با این ریسک، استراتژی‌های مختلفی را به‌کار می‌گیرند. به گفته دفوند و همکاران (۲۰۱۶: ۷۳) یکی از این استراتژی‌ها افزایش تلاش‌های حساسی است که از طریق کاهش ارائه‌های نادرست، ریسک ذاتی و ریسک تجاری حسابرس را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، افزایش آزمون‌های محتوا، اطمینان‌بخشی حسابرس را که صورت‌های مالی مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده است را افزایش می‌دهد. این موضوع مطابق با شواهد تجربی است که حسابرسان، تلاش‌های خود را برای صاحبکاران پر ریسک‌تر افزایش می‌دهند (دیویس و همکاران^{۵۹}، ۱۹۹۳: ۱۳۵). اگر تلاش‌های اضافی حسابرس، ریسک پروژه حساسی را تا سطح قابل‌پذیرشی کاهش ندهد، ممکن است حسابرسان هزینه محافظت از خود را با تحمیل صرف ریسک خود به صاحبکاران جبران کنند و در نتیجه ریسک به صاحبکار منتقل گردد. در این راستا جانستون و بدارد (۲۰۰۳: ۱۰۰۳) نشان دادند که حسابرسان هم تعداد ساعات کار و هم نرخ هر ساعت کار را برای مشتریان دارای ریسک بالا افزایش می‌دهند. همچنین مطالعه هایلگیست^{۶۰} (۱۹۹۹: ۳۶۵) نشان داد حسابرسان تلاش‌های بیشتری را برای صاحبکارانی که احتمال ارائه نادرست یا تقلب دارند، به‌کار می‌گیرند. بر این اساس هم افزایش تلاش حسابرس و هم هزینه صرف ریسک هر دو در حق‌الزحمه حساسی منعکس می‌شود. به باور حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۴: ۳۶۶) حق‌الزحمه حساسی، بر اساس ریسک برآوردی حسابرس از صاحبکار، رقابت در بازار حساسی و مذاکره بین حسابرس و صاحبکار تعیین می‌شود. سیمونیک^{۶۱} (۱۹۸۰: ۱۸۹) در این رابطه می‌گوید با افزایش ریسک حساسی، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند. همچنین مطالعه سبساماران و همکاران^{۶۲} (۲۰۰۲: ۱۱۳) بیانگر شواهدی سازگار با فرضیه ریسک حقوقی - حق‌الزحمه حساسی است، به ویژه آنها نشان دادند که موسسات حساسی هنگامی که در معرض افزایش دعاوی حقوقی قرار می‌گیرند، حق‌الزحمه حساسی را افزایش می‌دهند. علاوه بر این به گفته لی و همکاران (۲۰۱۵: ۸۶) رابطه منفی بین محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حساسی می‌تواند به تحمیل محافظه‌کاری جهت کاهش ریسک شهرت و اعتبار نسبت داده شود.

بنابراین، اگر محافظه‌کاری صاحبکاران را در معرض ریسک کمتری قرار می‌دهد، در نتیجه انتظار می‌رود که حسابرسان حق‌الزحمه کمتری را مطالبه کنند و بالعکس. اگر صاحبکاران محافظه‌کارتر، حسابرس را در معرض ریسک بالایی قرار می‌دهند، در نتیجه انتظار حق‌الزحمه حساسی بالاتری وجود دارد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد:

فرضیه اول: محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار، رابطه معناداری باحق‌الزحمه حسابرسی دارد.

حسابرسان برای ارائه اظهارنظر خود، سطحی از اهمیت را در نظر می‌گیرند. هر چه قدر این سطح اهمیت پایین برآورد گردد، بدین مفهوم می‌باشد که حسابرسان ریسک پروژه حسابرسی را بالاتر ارزیابی کرده‌اند. در نتیجه حسابرسان برای پوشش خود در برابر ریسک پروژه حسابرسی، می‌توانند سطح اهمیت (آستانه) لازم برای ارائه اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت را کاهش دهند. شواهد تجربی در این رابطه وجود دارد که حسابرسان اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت بیشتری برای مشتریان دارای ریسک دعاوی حقوقی بالاتر (کاپلان و ویلیامز، ۲۰۱۳: ۱۹۹)، صاحبکاران دارای ارقام تعهدی بیشتر (فرانسیس و کریشنان^{۶۳}، ۱۹۹۹: ۱۳۵) و صاحبکاران دارای مدیریت سود بالاتر (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱۳) ارائه می‌کنند. ارائه اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت، قبل از ورشکستگی^{۶۴}، ادعای دعاوی حقوقی علیه حسابرس را کاهش می‌دهد (کاپلان و ویلیامز، ۲۰۱۳: ۲۰۰). همچنین کیدا^{۶۵} (۱۹۸۰: ۵۰۶) اشاره می‌کند که شرکای موسسات حسابرسی اعتقاد دارند، هنگامی که زمینه برای نادیده گرفتن این ادعای حسابرس (ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت) وجود دارد، حسابرسان از این‌گونه اظهارنظر امتناع می‌کنند. در این راستا یافته‌های مرادی و همکاران (۱۳۹۳: ۳۱۳) نشان داد ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، ریسک ذاتی حسابرسی را افزایش می‌دهد.

بنابراین زمانی که صاحبکاران در معرض ریسک کمتری (بیشتری) قرار می‌گیرند، انتظار بر این است که حسابرسان اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت کمتری (بیشتری) ارائه دهند. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد:

فرضیه دوم: محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار، رابطه معناداری با ارائه اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرس دارد.

در نهایت اگر تلاش‌های اضافی، صرف ریسک و ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت، ریسک صاحبکار را به سطح قابل‌پذیرشی کاهش ندهد، حسابرسان به طور کلی با کنار گذاشتن پروژه حسابرسی از ریسک اجتناب می‌نمایند (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۳). نگرانی‌های شغلی و قراردادهای جبران خدمت، انگیزه‌هایی برای مدیران به منظور تاخیر در افشای اخبار بد و تسریع در افشای اخبار خوب، با این امید که عملکرد ضعیف فعلی شرکت، پشت پرده عملکرد قوی آتی پنهان می‌شود را فراهم می‌نماید (کوتاری و همکاران^{۶۶}، ۲۰۰۹: ۳۳). از آنجا که این انگیزه‌ها در تضاد با وظایف حسابرسان می‌باشد، آنها می‌توانند به روابط حسابرس و صاحبکار آسیب جدی وارد و مانع توانایی حسابرس برای جبران ریسک صاحبکار گردند. این مباحث، در راستای نتایج پژوهش‌های قبلی است که نشان دادند، زمانی که صاحبکاران، حسابرسان را در معرض ریسک دعاوی حقوقی بالاتری قرار می‌دهند (شو، ۲۰۰۰: ۱۷۴) و فرصت طلبی (که توسط دستکاری فعالیت‌های واقعی اندازه‌گیری شده بود) بیشتری به نمایش می‌گذارند (کیم و پارک^{۶۷}، ۲۰۱۴: ۳۶۷)، تناوب تغییر حسابرس بیشتری وجود دارد. بنابراین زمانی که صاحبکاران محافظه‌کارتر، در معرض ریسک کمتری

رابطه محافظه کاری با استراتژی های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار/۱۰۹

(بیشتری) قرار می گیرند، انتظار می رود که حسابرسان با تناوب کمتری (بیشتری) تغییر داشته باشند. در این راستا کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸: ۵۶) نشان دادند بین محافظه کاری حسابداری در ارتباط با گزارشگری سود و دوره ارتباط صاحبکار و حسابرس رابطه مثبت وجود دارد. با این حال قدیم پور و دستگیر (۱۳۹۵: ۳۷) به این نتیجه رسیدند در بازار اوراق بهادار تهران، حسابرسان مستقل به مسئله ریسک دعاوی توجه چندانی نمی کنند و در این بازار حق الزحمه حسابرسی بیشتر بر اساس حجم عملیات رسیدگی تعدیل می شود و عامل ریسک دادخواهی در آن اعمال نمی گردد. بر این اساس فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر بیان می گردد:

فرضیه سوم: محافظه کاری حسابداری صاحبکار، تاثیر معناداری بر تناوب تغییر حسابرس دارد.

۳. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ نتیجه اجرا، از نوع کاربردی، از نظر فرآیند اجرا، کمی، از نظر هدف، توصیفی و از نظر بعد زمانی، طولی است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از تحلیل رگرسیون چندگانه با داده های ترکیبی استفاده شده است. بدان منظور اطلاعات مورد نیاز از شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار تهران با منظور نمودن شرایطی به شرح زیر جمع آوری گردید:

الف) سال مالی نمونه انتخابی منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

ب) عدم توقف نماد معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشند (به دلیل استفاده از نمونه های سال - شرکت، شرکت هایی که توقف نماد معاملاتی داشته باشند، نمونه آماری را تخریب می نمایند).

پ) موجود بودن داده های مورد نیاز برای دوره زمانی پژوهش

ت) عدم تغییر سال مالی در طی دوره زمانی پژوهش

ث) به دلیل ماهیت خاص فعالیت، از شرکت های بیمه، سرمایه گذاری، بانک ها و لیزینگ نباشد.

بر این اساس ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه به شرح جدول (۱) انتخاب شدند و داده های مربوط به آنها طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ از صورت های مالی منتشر شده در سایت کدال و ره آورد نوین ۳ استخراج شد. پس از استخراج داده ها و محاسبه مقدار متغیرها، با استفاده از نرم افزارهای Excel (به منظور جمع آوری داده ها)، Eviews (برای آزمون انتخاب الگو و فرضیه های پژوهش) و Stata (به منظور انجام آزمون ناهمسانی واریانس ها و آزمون خودهمبستگی) به تجزیه تحلیل یافته ها پرداخته شده است.

رگرسیون لجستیک شبیه به رگرسیون معمولی است، با این تفاوت که در روش رگرسیون لجستیک به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی انجام می گیرد)، احتمال رخداد یک واقعه (متغیر وابسته) را حداکثر می کند. این روش یک تکنیک رگرسیون غیرخطی است و لزومی ندارد که داده ها حالت خطی داشته باشند. وجود پیش فرض های مدل رگرسیون نیز ضروری نمی باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). نتایج حاصل از برآورد الگوی لاجیت به طور تقریبی شبیه برآورد الگوهای رگرسیون خطی است. به علاوه در این الگو، لگاریتم درست نمایی نامقید^۶ و لگاریتم

درست‌نمایی مقید^{۶۹} گزارش می‌شود. از این دو آماره به منظور محاسبه آماره نسبت درست‌نمایی^{۷۰} و ضریب تشخیص مک فادن^{۷۱} استفاده می‌شود. این دو شاخص، به ترتیب برای بررسی اعتبار کل رگرسیون و قدرت توجیه رگرسیون به کار می‌روند. در واقع این دو آماره همانند F و R^2 در رگرسیون‌های خطی عمل می‌کنند (کردستانی و خاتمی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

نگاره ۱. فرآیند غربال‌گری شرکت‌های عضو نمونه در بازه زمانی پژوهش

شرح	تعداد شرکت
تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۳۹۳	۴۸۹
تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.	۵۷
تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۸۹ در بورس پذیرفته شده‌اند.	۳۶
تعداد شرکت‌هایی که جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.	۳۳
تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش فعال نبوده‌اند و یا این‌که اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس نمی‌باشد.	۲۲۷
تعداد کل شرکت‌هایی که حذف شدند.	۳۵۳
تعداد شرکت‌های عضو نمونه	۱۳۶

سنجش متغیرها و مدل آزمون فرضیه پژوهش سنجش محافظه‌کاری مشروط

برای سنجش محافظه‌کاری مشروط از مدل خان و واتز^{۷۲} (۲۰۰۹: ۱۳۵) استفاده شده است. خان و واتز (۲۰۰۹: ۱۳۳) معیار محافظه‌کاری را بر اساس بسط مدل باسو (۱۹۹۷) ارائه دادند. باسو (۱۹۹۷) در عملیاتی نمودن مفهوم محافظه‌کاری بر این نکته که سود اخبار بد را سریع‌تر از اخبار خوب منعکس می‌نماید، تاکید می‌نماید. طبق مدل باسو (۱۹۹۷) هرچه عدم تقارن زمانی بیشتر باشد، محافظه‌کاری در شرکت نیز بیشتر خواهد بود (لی و همکاران، ۲۰۱۵: ۸۷). رگرسیون مقطعی باسو (۱۹۹۷) به صورت مدل (۱) است.

مدل (۱)

$$EPS_{i,t} = \beta_0 + \beta_{1i,t}DR_{i,t} + \beta_{2i,t}RET_{i,t} + \beta_{3i,t}DR_{i,t} * RET_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن، EPS سود گزارش شده (سود قبل از اقلام غیر عادی) تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان سال مالی، DR متغیر مجازی است که در صورت منفی بودن بازده برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است، RET بازده سهام در طی سال مالی، β_2 معیار سنجش به موقع بودن اخبار خوب یا شناسایی سود است، β_3 معیار سنجش به موقع بودن اخبار بد نسبت به اخبار خوب (محافظه‌کاری) است و $\beta_3 + \beta_2$ برابر با کل به موقع بودن اخبار بد است (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۳ و ۱۴).

رابطه محافظه‌کاری با استراتژی‌های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار/۱۱۱

خان و واتز (۲۰۰۹: ۱۳۵) برای برآورد به موقع بودن اخبار خوب و محافظه‌کاری در سطح سال - شرکت بیان می‌کنند که به موقع بودن اخبار خوب (G-SCORE)، در هر سال و به موقع بودن اخبار بد (C-SCORE)، در هر سال توابعی خطی از ویژگی‌های خاص هر شرکت در هر سال به شکل روابط (۲) و (۳) هستند:

رابطه (۲)

$$G - SCORE = \beta_{2it} = \mu_{1t} + \mu_{2t}LnSIZE_{it} + \mu_{3t}MTB_{it} + \mu_{4t}LEV_{it}$$

رابطه (۳)

$$C - SCORE = \beta_{3it} = \lambda_{1t} + \lambda_{2t}LnSIZE_{it} + \lambda_{3t}MTB_{it} + \lambda_{4t}LEV_{it}$$

مقادیر باقیمانده μ_i و λ_i در بین شرکت‌ها ثابت هستند اما طی زمان تغییر می‌کنند، زیرا آنها با استفاده از رگرسیون‌های مقطعی سالانه برآورد می‌شوند. برآوردهای حاصل از روابط (۲) و (۳) در مدل (۱) جایگزین می‌شوند تا مدل (۲) به دست آید:

مدل (۲)

$$EPS_{it} = \beta_0 + \beta_{1it}DR_{it} + RET_{it}(\mu_{1t} + \mu_{2t}LnSIZE_{it} + \mu_{3t}MTB_{it} + \mu_{4t}LEV_{it}) + DR_{it} * RET_{it}(\lambda_{1t} + \lambda_{2t}LnSIZE_{it} + \lambda_{3t}MTB_{it} + \lambda_{4t}LEV_{it}) + (\delta_{1t}LnSIZE_{it} + \delta_{2t}MTB_{it} + \delta_{3t}LEV_{it} + \delta_{4t}DR_{it} * LnSIZE_{it} + \delta_{5t}DR_{it} * MTB_{it} + \delta_{6t}DR_{it} * LEV_{it}) + \varepsilon_{it}$$

آن‌گاه برآوردهای حاصل از مدل (۲) در روابط (۲) و (۳) قرار داده می‌شود تا β_2 و β_3 برای هر شرکت به دست آید (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۳ و ۱۴). بنابراین به موقع بودن اضافی اخبار بد (C-SCORE)، متغیر مستقل پژوهش و شاخصی برای سنجش محافظه‌کاری مشروط می‌باشد.

مدل برای آزمون فرضیه‌ها

برای بررسی تاثیر محافظه‌کاری بر حق الزحمه حسابرسی از مدل (۳) که مبتنی بر پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۵: ۸۷) می‌باشد، استفاده می‌شود:

مدل (۳)

$$LnAUDIT_FEE_{it} = \beta_0 + \beta_1CONSER_{it-1} + \beta_2LnAU_TEN_{it} + \beta_3BIG_{it} + \beta_4LnSIZE_{it} + \beta_5MTB_{it} + \beta_6S_GROWTH_{it} + \beta_7LEV_{it} + \beta_8ROA_{it} + \beta_9Loss_{it} + \beta_{10}ARINV_{it} + \beta_{11}LnAGE_{it} + \beta_{12}RESTATE_{it} + \beta_{13}REPLAG_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای تمامی متغیرهای مستقل از مقدار آن متغیر برای همان سالی که متغیر حق الزحمه حسابرسی وجود دارد استفاده شده است. تنها متغیر محافظه‌کاری مشروط با یک سال وقفه وارد مدل می‌شود و دلیل آن کنترل مشکل درون‌زایی^{۷۳} و علیت معکوس^{۷۴} می‌باشد (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۴).

برای آزمون تاثیر محافظه‌کاری حسابداری بر ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت حسابرس، مدل (۴) که مدل رگرسیون لجستیک بکارگرفته شده توسط دفوند و همکاران (۲۰۱۶: ۷۴) می‌باشد، استفاده می‌شود.

مدل (۴)

$$GCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CONSER_{i,t-1} + \beta_2 Assets_{i,t} + \beta_4 Return_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 Cashflow_{i,t} + \beta_7 Future_Finance_{i,t} + \beta_8 Big_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} Loss_{i,t} + \beta_{11} BM_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

برای آزمون تاثیر محافظه‌کاری صاحبکار بر تغییر حسابرِس، مدل (۵) که مدل رگرسیون لجستیک استفاده شده توسط لندسمن و همکاران (۲۰۰۹: ۵۴۰) می‌باشد، استفاده می‌شود.

مدل (۵)

$$RESIGN_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CONSER_{i,t} + \beta_2 Asset_Growth_{i,t} + \beta_4 ARINV_{i,t} + \beta_5 GCO_{i,t} + \beta_7 LnAU_TEN_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} LEV_{i,t} + \beta_{11} Cash_{i,t} + \beta_{14} Big_{i,t} + \beta_{15} LnSIZE_{i,t} + \beta_{16} BM_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

نگاره ۲. خلاصه متغیرهای استفاده شده در پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری
متغیر مستقل		
محافظه‌کاری مشروط	CONSER	ضریب محاسبه شده β_3 در مدل خان و واتر (۲۰۰۹: ۱۳۵)
متغیرهای وابسته		
حق‌الزحمه حسابرِس	LnAUDIT_FEE	لگاریتم طبیعی هزینه حسابرِس شرکت
اظهار نظر ابهام در تداوم	GCO	اگر حسابرِس در گزارش حسابرِس اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت ارائه کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر.
تغییر حسابرِس	RESIGN	اگر حسابرِس شرکت تغییر کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر.
متغیرهای کنترلی		
دوره تصدی حسابرِس	LnAU_TEN	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که حسابرِس، عهده دار حسابرِس بوده است.
اندازه موسسه حسابرِس	BIG	اگر سازمان حسابرِس یا موسسات رتبه الف عضو جامعه حسابداران رسمی باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر.
اندازه شرکت	LnSIZE	لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها در پایان دوره
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام در پایان دوره
نرخ رشد فروش	S_GROWTH	فروش در سال جاری منهای فروش در سال قبل تقسیم بر فروش در سال قبل
اهرم مالی	LEV	نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها در پایان دوره
بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت سود قبل از اقلام غیرعادی تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان دوره
موجودی کالا و حساب‌های دریافتی	ARINV	موجودی کالا و حساب‌های دریافتی تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان دوره
لگاریتم طبیعی عمر شرکت	LnAGE	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تاسیس
تجدید ارائه صورت‌های مالی	RESTATE	اگر شرکت تجدید ارائه صورت‌های مالی داشته باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر.
فاصله سال مالی و اعلان سود	REPLAGE	تعداد روزهای بین پایان سال مالی و ارائه صورت‌های مالی حسابرِس شده
جریان وجه نقد	Cashflow	جریان وجه نقد تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان دوره
تغییرات تامین مالی	Future_Finance	اگر بدهی‌های بلند مدت بیش از ۱۰ درصد افزایش یابد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر (دفوند و همکاران، ۲۰۱۶)
اهرم مالی	LEV	جمع بدهی‌ها تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان دوره

رابطه محافظه کاری با استراتژی های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار/۱۱۳

زیان دوره جاری	Loss	اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر.
ارزش دفتری به ارزش بازار	BM	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار در پایان دوره
رشد دارایی ها	Asset_Growth	جمع دارایی ها در پایان دوره منهای جمع دارایی ها در ابتدای دوره تقسیم بر جمع دارایی ها در ابتدای دوره

۴. یافته های پژوهش

آمار توصیفی داده ها

نگاره (۳) و (۴) آمار توصیفی داده ها را نشان می دهد. از آن جا که شرکت های استفاده شده در مدل های پژوهش یکسان می باشند، بنابراین آمار توصیفی بر حسب مدل های پژوهش تفکیک نگردیده و به صورت یکجا ارائه گردیده است.

نگاره ۳. آمار توصیفی داده های کمی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهدات
محافظه کاری مشروط	CONSER	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۴۵	۰/۰۰۵۰	۰/۰۰۲۵	۶۸۰
حق الزحمه حسابرسی	LnAUDIT_FEE	۶/۵۸۷۷	۶/۴۸۰۰	۸/۱۸۹۰	۵/۳۶۴۰	۰/۷۹۳۹	۶۸۰
دوره تصدی حسابرسی	LnAU_TEN	۱/۰۸۷۰	۱/۰۹۸۶	۲/۴۸۴۹	۰/۰۰۰۰	۰/۸۴۶۷	۶۸۰
اندازه شرکت	LnSIZE	۱۳/۴۵۳۴	۱۳/۴۲۵۹	۱۶/۲۷۵۰	۱۱/۸۱۹۶	۱/۰۷۵۹	۶۸۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۲/۳۷۶۳	۲/۰۳۸۹	۲۵/۴۵۰۵	۱/۹۱۲۴	۲/۹۰۶۹	۶۸۰
نرخ رشد فروش	S_GROWTH	۰/۲۲۰۹	۰/۱۷۵۴	۰/۸۸۷۰	۰/۲۷۰۰	۰/۲۸۰۲	۶۸۰
اهرم مالی	LEV	۰/۶۱۲۸	۰/۶۲۴۸	۰/۹۳۶۲	۰/۲۵۶۲	۰/۱۸۱۸	۶۸۰
بازده دارایی ها موجودی کالا و حساب های دریافتی	ROA	۰/۱۱۷۷	۰/۰۹۶۷	۰/۳۶۴۹	۰/۰۶۳۱	۰/۱۱۴۳	۶۸۰
دریافتی	ARINV	۰/۴۸۳۳	۰/۴۸۹۴	۰/۷۶۷۰	۰/۱۴۶۹	۰/۱۹۲۰	۶۸۰
لگاریتم عمر شرکت	LnAGE	۳/۶۰۴۹	۳/۷۱۳۵	۴/۱۴۳۱	۲/۴۸۴۹	۰/۳۶۵۷	۶۸۰
فاصله سال مالی و اعلان سود	REPLAGE	۹۷/۲۹۴۹	۱۰۰	۲۴۶	۲۷	۳/۳۹۲۶ ۹	۶۸۰
جریان وجه نقد	Cashflow	۰/۱۱۹۵	۰/۱۰۸۰	۰/۳۵۳۹	۰/۰۶۵۴	۰/۱۱۷۱	۶۸۰
ارزش دفتری به ارزش بازار	BM	۰/۵۴۸۰	۰/۴۳۳۶	۱/۴۵۸۳	۰/۱۳۴۶	۰/۳۵۵۱	۶۸۰
رشد دارایی ها	Asset_Growth	۰/۲۰۰۲	۰/۱۵۶۶	۰/۶۵۳۱	۰/۰۹۳۸	۰/۲۰۷۶	۶۸۰

نگاره (۴) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت جداگانه می‌باشد. میانگین و میانه محافظه‌کاری مشروط به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰۷ و ۰/۰۰۱۳ که نشان از توزیع تقریباً متقارن این متغیر دارد که مقدار انحراف معیار این متغیر (۰/۰۰۲۵) گویای این موضوع می‌باشد. حداکثر و حداقل لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های نمونه به ترتیب برابر با ۸/۱۸۹۰ و ۵/۳۶۴۰ است. مقدار حداقل دوره تصدی حسابرسی برابر با صفر می‌باشد. از آنجا که نحوه اندازه‌گیری متغیر دوره تصدی حسابرسی برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های حسابرسی توسط موسسه حسابرسی بوده است، این موضوع بدین معنی می‌باشد که در برخی از شرکت‌های نمونه، حسابرسی تنها به مدت یک سال، حسابرسی آن شرکت بوده است. همچنین حداکثر دوره تصدی حسابرسی برابر با ۲/۱۹۷ است. این عدد مربوط به شرکت‌هایی است که حسابرسی آنها سازمان حسابرسی بوده است. میانگین برای اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم مالی به ترتیب برابر با ۱۳/۴۵۳۴، ۲/۳۷۶۳ و ۰/۶۱۲۸ است. حداقل نرخ رشد فروش برابر با ۰/۲۷۰۰- است، یعنی در بین شرکت‌های نمونه، شرکت‌هایی وجود داشته‌اند که در سال جاری نسبت به سال قبل کاهش فروش داشته‌اند. حداکثر و حداقل متغیر لگاریتم عمر شرکت به ترتیب برابر با ۴/۱۴۳۱ و ۲/۴۸۴۹ می‌باشد. میانگین فاصله سال مالی و اعلان سود شرکت‌ها تقریباً برابر با ۹۷ روز می‌باشد.

نگاره ۴. آمار توصیفی داده‌های کیفی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	وجود		عدم وجود		جمع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت	GCO	۵۶	۸/۲۴	۶۲۴	۹۱/۷۶	۶۸۰
تغییر حسابرسی	RESIGN	۱۶۹	۲۴/۸۵	۵۱۱	۷۵/۱۵	۶۸۰
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۴۳۰	۶۳/۲۴	۲۵۰	۳۶/۷۶	۶۸۰
تجدید ارائه صورت‌های مالی	RESTATE	۵۱۴	۷۵/۵۹	۱۶۶	۲۴/۴۱	۶۸۰
تغییرات تامین مالی	Future_Finance	۳۸۸	۵۷/۰۶	۲۹۲	۴۲/۹۴	۶۸۰
زیان دوره جاری	Loss	۷۳	۱۰/۷۴	۶۰۷	۸۹/۲۶	۶۸۰

نگاره (۴) آمار توصیفی متغیرهای کیفی (متغیرهایی که دارای دو ارزش صفر و یک می‌باشند) پژوهش را نشان می‌دهد. بطور کلی در ۵۶ مشاهده این پژوهش، حسابرسی درباره گزارش‌های شرکت‌ها، اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت را صادر کرده است. همچنین در ۱۶۹ مشاهده، حسابرسی از پروژه حسابرسی کناره‌گیری کرده است. تقریباً در ۶۳ درصد شرکت‌ها، مسئولیت حسابرسی بر عهده سازمان حسابرسی یا موسسات دارای رتبه کنترل کیفیت الف جامعه حسابداران رسمی بوده است. در ۵۱۴ مشاهده، صورت‌های مالی شرکت‌های عضو نمونه تجدید ارائه شده است. تقریباً ۱۱ درصد شرکت‌ها در دوره مالی گذشته خود زیان گزارش نموده‌اند.

تاثیر محافظه کاری حسابداری صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی

از آنجا که مدل (۳) یک مدل رگرسیون خطی می باشد، بنابراین قبل از ارائه نتایج آزمون فرضیه پژوهش، لازم است فروض کلاسیک رگرسیون به شرح زیر بررسی شود:

۱. آزمون نرمال بودن جملات خطا (پسماند): به منظور سنجش نرمال بودن خطای پسماند، آزمون جارکیو-بر^{۷۵} (۱۹۸۱) استفاده شده است. در صورتی که پسماندها به صورت نرمال توزیع شده باشد، آماره آزمون مزبور معنادار نخواهد بود. از آنجا که مقدار آماره جارکیو-بر^{۷۵} (۱۹۸۱) برابر با $0/2438$ و احتمال آن برابر با $0/8852$ و با توجه به این که سطح معناداری این آزمون، بزرگتر از $0/05$ محاسبه شده است، در نتیجه نرمال بودن جملات خطا در مدل (۳) پذیرفته می شود. نتایج این آزمون در نگاره (۵) ارائه شده است.

۲. آزمون عدم وجود خود همبستگی مرتبه اول: به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دورین-واتسون^{۷۶} استفاده شده، که نتایج مربوط نشان می دهد که آماره دورین-واتسون در مدل (۳) بین $1/5$ تا $2/5$ می باشد. نتایج آزمون مذکور در نگاره (۵) مربوط به آزمون فرضیه، ارائه شده است.

۳. آزمون ناهمسانی واریانس: برای بررسی شرط عدم ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان^{۷۷} استفاده شده است. نتایج آن در نگاره (۵) مربوط به آزمون فرضیه، ارائه شده است. از آنجا که مقدار معناداری آماره این آزمون برابر با $0/5491$ می باشد، بنابراین نتایج این آزمون بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس می باشد و باید مدل به روش حداقل مربعات معمولی^{۷۸} برآورد گردد.

۴. آزمون هم خطی متغیرهای پژوهش: هم خطی بین متغیرهای توضیحی در مدل های چند متغیره موجب می شود که ضرایب متغیرهای توضیحی بی معنی شوند. در حالت وجود هم خطی، علیرغم عدم معنی داری ضرایب، R^2 مدل بزرگ خواهد شد و این نتایج متناقض دارای تورش و عدم کارایی خواهد بود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۰). در این پژوهش برای بررسی وجود وابستگی خطی بین متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۵) مشاهده می شود که آماره VIF کمی از یک بالاتر است، که این مقدار بین بازه بهینه پیش فرض که کمینه آن ۱ و بیشینه آن کوچکتر از ۵ بوده قرار دارد که در حالت کلی عدم هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش را نشان می دهد.

۵. آزمون مانایی: قبل از برآورد مدل، ابتدا باید پایایی متغیرهای پژوهش را مورد بررسی قرار داد. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال های مختلف ثابت بوده است. در این پژوهش برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون لوین، لین و جو (LLCH) استفاده شده است. نتایج این آزمون نیز در نگاره (۵) ارائه شده است. از آنجا که احتمال آماره این آزمون برای تک تک متغیرهای پژوهش، کمتر از $0/05$ می باشد، بنابراین، نتایج آزمون حاکی از آن است که کلیه متغیرهای پژوهش در سطح معنی داری $0/05$ در طی قلمرو زمانی پژوهش

در سطح پایا بوده‌اند. بنابراین نتایج حاصل از روش آماری مدل‌های رگرسیونی پژوهش قابل اعتماد است.

برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

در این فرضیه برای آن‌که بتوان مشخص نمود که استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون چاو^{۷۹} و در صورت استفاده از روش داده‌های پانل، به منظور این‌که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسبتر است، از آزمون هاسمن^{۸۰} استفاده می‌شود. به دلیل این‌که روش داده‌های تابلویی، ترکیبی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی می‌باشد، برای بررسی شرط عدم خودهمبستگی سریالی از آزمون وولدریج^{۸۱} استفاده می‌گردد.

نگاره ۵. تاثیر محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی

$\text{LnAUDIT_FEE}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{CONSER}_{i,t-1} + \beta_2 \text{LnAU_TEN}_{i,t} + \beta_3 \text{BIG}_{i,t} + \beta_4 \text{LnSIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{S_GROWTH}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{Loss}_{i,t} + \beta_{10} \text{ARINV}_{i,t} + \beta_{11} \text{LnAGE}_{i,t} + \beta_{12} \text{RESTATE}_{i,t} + \beta_{13} \text{REPLAG}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$							
متغیر توضیحی	نماد متغیر	علامت پیش بینی شده	ضریب برآورده شده	آماره t	معناداری آماره t	همخطی (VIF)	احتمال آماره لوین، لین و چو (LLCH)
محافظه‌کاری مشروط	CONSER	-	-۰/۲۰۳۲	-۲/۵۲۱۷	-۰/۱۲۱	۱/۲۲۸۷	-/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرسی	LnAU_TEN	+	۰/۱۶۰۲	۳/۵۵۸۸	-/۰۰۰۴	۱/۳۴۱۷	-/۰۰۰۰
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	+	۰/۰۷۴۸	۱/۴۸۶۷	-/۱۳۸۰	۱/۲۵۵۵	-/۰۰۰۰
اندازه شرکت	Lnsize	+	۰/۴۶۴۹	۲/۲۸۰۸	-/۰۰۰۰	۱/۳۴۸۸	-/۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	+	۰/۰۱۸۶	۲/۲۴۶۵	-/۰۲۵۳	۱/۱۸۶۳	-/۰۰۰۰
نرخ رشد فروش	S_GROWTH	-	-۰/۰۲۹۷	-۰/۳۸۵۶	-/۷۰۰۰	۱/۱۰۰۴	-/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	+	۰/۴۳۳۵	۲/۷۸۸۱	-/۰۰۰۵۶	۲/۶۱۶۰	-/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-	-۰/۲۰۲۴	-۰/۵۱۸۴	-/۶۰۴۵	۲/۷۲۰۴	-/۰۰۰۰
زبان دوره جاری	LOSS	+	۰/۰۳۴۹	۰/۴۰۶۵	-/۶۸۴۶	۱/۰۴۳۰	-/۰۰۰۰
موجودی کالا و حساب‌های دریافتی	ARINV	+	۰/۳۹۶۱	۳/۵۳۹۳	-/۰۰۰۰۵	۱/۱۲۸۲	-/۰۰۰۰
عمر شرکت	LnAGE	-	-۰/۱۸۰۵	-۲/۴۰۲۰	-/۰۰۰۰۰	۱/۱۶۵۷	-/۰۰۰۰
تجدید ارائه صورت‌های مالی	RESTATE	+	۰/۱۳۲۶	۱/۸۹۷۳	-/۰۵۸۶	۱/۲۹۵۶	-/۰۰۰۰

رابطه محافظه کاری با استراتژی های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار/۱۱۷

فاصله سال مالی و اعلان سود	REPLAGE	+	۰/۰۰۱۱	۱/۵۱۱۳	۰/۱۳۱۶	۱/۰۵۰۱	۰/۰۰۰۰
مقدار ثابت	C	؟	-۰/۳۳۹۷	-۱/۳۳۲۳	۰/۱۸۳۶		
آماره آزمون چاو	۶/۵۳۶۴	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون چاو	تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی)		
آماره آزمون هاسمن	۴۸/۹۴۵۰	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون هاسمن	اثرات ثابت		
آماره بروش پادگان	۶۱/۱۳۲۴	احتمال بروش پادگان	۰/۵۴۹۱	نتیجه آزمون روش پادگان	عدم وجود ناهمسانی واریانس		
آماره وولدریچ	۱۴/۴۱۲۸	آماره وولدریچ	۰/۰۸۲۱	نتیجه آزمون وولدریچ	عدم وجود خود همبستگی سریالی		
آماره آزمون جارک-برا	۰/۲۴۳۸	سطح معناداری آزمون جارک-برا	۰/۸۸۵۲	نتیجه آزمون جارک-برا	نرمال بودن جملات خطا		
ضریب تعیین شده	۰/۵۲۷۴	ضریب تعیین شده	۰/۵۱۰۳	آماره دوربین - واتسون	۱/۸۲۸۵		
آماره F	۳۰/۸۲۳۱	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰	آماره F	۳۰/۸۲۳۱		

نتایج حاصل از برازش مدل (۳) در نگاره (۵) ارائه شده است. نتایج آزمون چاو و هاسمن نشان دهنده برتری استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل روش های اثرات تصادفی و مقید می باشد. نتایج آزمون وولدریچ نیز بیانگر عدم وجود خود همبستگی سریالی در مدل پژوهش می باشد. مقدار آماره دوربین - واتسون برای مدل (۳) برابر با ۱/۸۲۸۵ است. از آن جا که این عدد در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارند، بیانگر عدم خودهمبستگی مقادیر خطا در مدل (۳) است. همچنین مقدار احتمال آماره F برای مدل (۳) برابر با ۰/۰۰۰۰ می باشد که حاکی از معناداری کل مدل (۳) می باشد. همچنین ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل (۳) به ترتیب برابر با ۰/۵۲۷۴ و ۰/۵۱۰۳ می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در مدل (۳) حدود ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) توسط متغیرهای توضیحی مدل (۳) توضیح داده می شوند.

در نگاره (۵) اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب، نشان دهنده میزان تاثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر متغیر حق الزحمه حسابرسی می باشند. چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۰۵ باشد، نشان دهنده معنادار بودن تاثیر آن متغیر به متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) است.

مقدار ضریب و احتمال متغیر محافظه‌کاری مشروط در مدل (۳) به ترتیب برابر با ۰/۲۰۳۲- و ۰/۱۲۱ می‌باشد. علامت منفی ضریب این متغیر نشان‌دهنده رابطه معکوس متغیر محافظه‌کاری مشروط و حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. مقدار این ضریب به این مفهوم می‌باشد که به ازای یک واحد افزایش در محافظه‌کاری مشروط، متغیر حق‌الزحمه حسابرسی ۰/۲۰۳۲ واحد کاهش می‌یابد. همچنین مقدار احتمال آن نشان‌دهنده معنادار بودن رابطه می‌باشد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود. به عبارت دیگر، محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد.

رابطه محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار با ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرسان

از آنجا که متغیر وابسته در فرضیه دوم ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرسان (که یک متغیر دو وجهی^{۸۲} می‌باشد) است، بنابراین از الگوی لاجیت^{۸۳} (رگرسیون لجستیک^{۸۴}) برای آزمون این فرضیه استفاده شده است. نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول (۶) مشاهده می‌شود.

نگاره ۶. رابطه محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار با ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرسان

مدل (۶) $GCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CONSER_{i,t-1} + \beta_2 Assets_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 Cashflow_{i,t} + \beta_5 Future_Finance_{i,t} + \beta_6 Big_{i,t} + \beta_7 Loss_{i,t} + \beta_8 BM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر توضیحی	نماد متغیر	علامت پیش‌بینی شده	ضریب برآورده شده	آماره Z	احتمال
محافظه‌کاری مشروط	CONSER	-	-۰/۵۰۲۳	-۲/۶۷۴۵	۰/۰۰۴۰
دارایی‌ها	Assets	+	-۰/۸۹۷۵	۱/۰۵۷۵	۰/۱۴۲۰
اهرم مالی	LEV	+	-۰/۱۴۲۰	۲/۵۹۹۴	۰/۰۰۹۳
جریان وجه نقد	Cashflow	-	-۰/۸۳۱۶	-۰/۹۰۸۸	۰/۳۶۳۴
تغییرات تامین مالی	Future_Finance	+	۰/۱۹۱۰	۰/۸۶۵۲	۰/۳۸۶۹
اندازه موسسه حسابرسی	Big	+	-۰/۱۷۱۴	۰/۳۲۱۸	۰/۷۱۱۵
زیان دوره جاری	Loss	+	-۰/۱۲۹۶	۰/۴۹۵۷	۰/۶۲۰۱
ارزش دفتری به ارزش بازار	BM	-	-۰/۱۵۰۰	-۰/۷۲۶۹	۰/۴۶۷۲
مقدار ثابت	C	?	۰/۵۰۲۳	۱/۶۷۴۵	۰/۰۹۴۰
ضریب مک‌فادن	LR	LR	۲۷/۴۲۳۶	احتمال آماره LR	۰/۰۰۰۲

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مدل (۴) برآورد شد. نتایج این آزمون در نگاره (۶) ارائه شده است. احتمال آماره LR (۰/۰۰۰۲) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۰/۰۵) است و نشان‌دهنده این موضوع است که تمام ضرایب رگرسیون لجستیک به طور همزمان صفر نمی‌باشند و مدل برازش شده مناسب و معنادار است. مقدار آماره ضریب مک‌فادن برابر با ۰/۴۷۰۸ می‌باشد و به این معنی است که متغیرهای توضیحی مدل، ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح می‌کنند.

مقدار ضریب به دست آمده برای متغیر محافظه‌کاری مشروط برابر با ۰/۵۰۲۳- می‌باشد. این نتیجه حاکی از آن است که بین محافظه‌کاری مشروط صاحبکار و صدور ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم

رابطه محافظه کاری با استراتژی های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار/۱۱۹

فعالیت حسابرسان رابطه معکوس وجود دارد، با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای این متغیر که برابر با ۰/۰۰۴۰ می باشد، این رابطه معکوس معنادار می باشد. به عبارت دیگر با توجه به اطلاعات به دست آمده، فرضیه دوم پژوهش تایید می شود. یعنی محافظه کاری حسابداری صاحبکار موجب کاهش ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرسان می شود.

رابطه محافظه کاری حسابداری صاحبکار با تناوب تغییر حسابرسان

با اشاره مجدد به توضیحات فرضیه دوم، از آن جا که متغیر وابسته در این فرضیه نیز متغیر دو وجهی (تناوب تغییر حسابرسان) است، بنابراین برای آزمون این فرضیه نیز از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتیجه آزمون فرضیه سوم پژوهش در نگاره (۷) مشاهده می شود.

نگاره ۷. رابطه محافظه کاری حسابداری صاحبکار با تناوب تغییر حسابرسان

$RESIGN_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CONSER_{i,t} + \beta_2 Asset_Growth_{i,t} + \beta_4 Inv_Rec_{i,t} + \beta_5 GCO_{i,t} + \beta_7 LnAU_TEN_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 Loss_{i,t} + \beta_{10} LEV_{i,t} + \beta_{11} Cash_{i,t} + \beta_{14} Big_{i,t} + \beta_{15} Assets_{i,t} + \beta_{16} BM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$						
احتمال	Z	ضریب برآورده شده	علامت پیش بینی شده	نماد متغیر	متغیر توضیحی	مدل (۷)
۰/۰۳۰۶	-۲/۱۶۲۳	-۰/۴۹۶۳	-	CONSER	محافظه کاری مشروط	
۰/۱۲۳۱	۱/۵۴۱۸	۰/۴۲۸۲	+	Asset_Growth	رشد دارایی ها	
۰/۰۷۷۸	۱/۷۶۳۴	۰/۵۲۴۹	+	Inv_Rec	موجودی کالا و حساب های دریافتنی	
۰/۷۱۰۶	۰/۳۷۱۰	۰/۰۷۵۶	+	GCO	تغییر حسابرسان	
۰/۳۳۸۶	-۰/۹۵۶۸	-۰/۰۶۷۴	-	LnAU_TEN	دوره تصدی حسابرسان	
۰/۵۷۸۱	-۰/۵۵۶۲	-۰/۳۶۶۲	-	ROA	بازده دارایی ها	
۰/۹۶۵۴	۰/۰۴۳۴	۰/۰۰۷۹	+	Loss	زیان دوره جاری	
۰/۶۵۲۱	۰/۴۵۰۸	۰/۱۸۳۶	+	LEV	اهرم مالی	
۰/۰۶۴۸	-۱/۸۴۵۶	-۰/۸۹۶۴	-	Cashflow	جریان وجه نقد	
۰/۶۴۸۸	-۰/۴۵۵۴	-۰/۰۵۳۹	-	Big	اندازه موسسه حسابرسانی	
۰/۰۰۳۱	-۲/۹۵۹۵	-۰/۲۱۶۸	-	Assets	دارایی ها	
۰/۲۴۱۹	-۱/۱۷۰۳	-۰/۱۷۸۵	-	BM	ارزش دفتری به ارزش بازار	
۰/۰۰۳۹	-۲/۸۸۹۸	-۱/۰۴۱۶	?	C	مقدار ثابت	
۰/۰۳۳۲	احتمال آماره LR	۲۲/۴۰۳۶	آماره LR	۰/۲۹۳۷	ضریب مک فادن	

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش مدل (۵) برآورد شد. نتایج این آزمون در نگاره (۷) ارائه شده است. احتمال آماره LR (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۰/۰۵) است و نشان دهنده این موضوع است که تمام ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی باشند و مدل برازش شده مناسب و معنادار است. مقدار آماره ضریب مک فادن برابر با ۰/۲۹۳۷ می باشد.

مقدار ضریب و احتمال به دست آمده برای متغیر محافظه کاری مشروط به ترتیب برابر با ۰/۴۹۶۳- و ۰/۰۳۰۶ می باشد. این نتایج حاکی از آن است که بین محافظه کاری مشروط صاحبکار و تناوب تغییر حسابرسان رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر یعنی هر چقدر محافظه کاری

حسابداری صاحبکار بیشتر باشد، حسابرس با تناوب کمتری تغییر می کند. با این تفاسیر می توان بیان نمود که فرضیه سوم پژوهش تایید می شود.

۵. بحث و نتیجه گیری

شواهد بسیار محدودی در مورد منافع بالقوه محافظه کاری وجود دارد که می تواند منجر به کاهش ریسک حسابرسی و در نتیجه، کاهش حق الزحمه های حسابرسی گردد. در پژوهش های گذشته در خصوص محافظه کاری در حسابداری و ارتباط آن با پاداش مدیران، قرارداد بدهی، دعاوی حقوقی، موضوع مالیاتی و تدوین استانداردها و قواعد حسابداری، تلاش هایی صورت گرفته است، اما در خصوص مزایای محافظه کاری حسابداری بر کاهش ریسک پروژه حسابرسی کمتر پژوهشی صورت گرفته است. در این پژوهش تاثیر محافظه کاری صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی، اظهار نظر حسابرس و تصمیم های مرتبط با تغییر حسابرس بررسی شد. در این راستا دو دیدگاه مستقیم و معکوس مطرح شد. دیدگاه اول بیانگر ارتباط مستقیم بین محافظه کاری صاحبکار و افزایش ریسک پروژه حسابرسی و دیدگاه دوم نیز بیانگر ارتباط معکوس بین محافظه کاری صاحبکار و افزایش ریسک پروژه حسابرسی بود. یافته های پژوهش نشان داد که حسابرسان برای صاحبکاران دارای محافظه کاری حسابداری بالاتر، به صورت معناداری حق الزحمه حسابرسی کمتر در نظر می گیرند و اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت کمتری صادر می نمایند و همچنین دارای تناوب تغییر کمتری می باشند. به عبارتی دیگر سازوکار نظام راهبری با کیفیت صاحبکار موجب کاهش ریسک های دعاوی حقوقی و ریسک شهرت حسابرس گردیده و در نتیجه حسابرسان در قرارداد با صاحبکار، حق الزحمه کمتری را پیشنهاد می دهند و معمولاً و تا زمانی که چرخش اجباری حسابرس مطرح نشود، از کار کناره گیری نمی کنند و تمایل به ادامه کار با صاحبکار قبلی دارند. این موضوع در راستای دیدگاه معکوس می باشد. این نتایج با یافته های کریشنان (۱۹۹۴)، لی و همکاران (۲۰۱۵) و دفوند و همکاران (۲۰۱۶) منطبق می باشد. لی و همکاران (۲۰۱۵: ۸۶) نشان دادند محافظه کاری در سطح بالاتر، موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی شده و همچنین دفوند و همکاران (۲۰۱۶: ۹۲) نشان دادند محافظه کاری صاحبکار منجر به حق الزحمه حسابرسی کمتر، ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت کمتر و کناره گیری کمتر حسابرس از حسابرسی شرکت می گردد. کریشنان (۱۹۹۴) نشان داد بین محافظه کاری حسابداری و تغییر حسابرس رابطه ای مستقیم وجود دارد (بنی مهد و میرعباسی، ۱۳۸۹: ۹۹). همچنین نتایج این پژوهش با یافته کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸: ۵۶) همسو است. آنها نیز نشان دادند بین محافظه کاری حسابداری و دوره ارتباط صاحبکار - حسابرس رابطه مثبت وجود دارد. با این وجود یافته های این پژوهش با نتایج بنی مهد و فلاح میرعباسی (۱۳۸۹: ۹۵) منطبق نیست. آنها رابطه معناداری بین محافظه کاری حسابداری و تغییر حسابرس پیدا نکردند و معتقدند که در واقع عوامل تاثیرگذار بر تغییر حسابرس در ایران بیشتر عوامل غیر کمی و غیر حسابداری هستند.

این پژوهش به توسعه یافته‌های پژوهش‌های پیشین در خصوص نقش حسابداری محافظه‌کارانه در قراردادهای و ریسک پروژه حسابرسی از طریق اضافه نمودن محافظه‌کاری در حسابداری به عنوان عامل موثر دیگری بر حق‌الزحمه حسابرسی، ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت توسط حسابرس و در نهایت تناوب تغییر حسابرس می‌پردازد. شواهد این پژوهش نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری صاحبکار، عامل موثری در برآورد حسابرسی از ریسک صاحبکار و متعاقباً در استراتژی‌های انتخابی توسط حسابرسی به منظور مواجهه با ریسک صاحبکاران می‌باشد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد توجه و استفاده مدیران، حسابرسی، قانون‌گذاران و کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها واقع گردد. مدیران می‌توانند به این موضوع توجه کنند که یافته‌های این پژوهش نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری نقش مهمی در کاهش حق‌الزحمه حسابرسی و ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت کمتر توسط حسابرس و تناوب کمتر تغییر حسابرس دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده حسابرسی قرار گیرد. از آن جهت که یافته‌های این پژوهش نشان داد، محافظه‌کاری تأثیر معناداری در کاهش ریسک پروژه حسابرسی (شامل ریسک ذاتی و ریسک تجاری صاحبکار) دارد. همچنین این پژوهش می‌تواند به آگاهی موسسات حسابرسی در قیمت‌گذاری رقابتی خدمات و تعیین قیمت پیشنهادی قبول سفارش خویش یاری رساند. امروزه نهادهای تدوین‌کننده استاندارد همچون هیئت استانداردهای حسابداری مالی محافظه‌کاری را کنار گذاشته و تمایل به انعکاس ارزش جاری در صورت‌های مالی دارند. حذف محافظه‌کاری منجر به از دست رفتن مزایای آن برای حسابرسی و شرکت‌های مورد رسیدگی خواهد شد. از این رو یافته‌های این پژوهش می‌تواند به تدوین‌کنندگان استانداردها، که امروزه تمایل بیشتری به استفاده از رویکرد ارزش منصفانه را دارند، کمک کند تا این‌که توازن را بین حسابداری مبتنی بر ارزش‌های جاری و محافظه‌کاری را مورد ارزیابی قرار دهند. در پژوهش‌های آتی می‌توان از سایر معیارهای محافظه‌کاری برای سنجش محافظه‌کاری استفاده نمود. همچنین می‌توان نقش و تأثیر محافظه‌کاری نامشروط را در تعیین ریسک صاحبکار بررسی کرد. مهمترین محدودیت این پژوهش، محدودیت حق‌الزحمه حسابرسی است. حق‌الزحمه حسابرسی در یادداشت‌های توضیحی برخی از شرکت‌ها افشا نمی‌شود، که همین مسئله باعث شده است که شرکت‌های نمونه پژوهش کاهش یابد. همچنین این پژوهش با استفاده از داده‌های ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران انجام شده است که شامل کلیه شرکت‌ها و به‌ویژه صنایع نیست. بر این اساس هنگام تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش، بایستی به این موضوع توجه کافی صورت گیرد.

یادداشت‌ها

- 1-Lee, Li and Sami
- 2-Garsia, Gore and Pope
- 3-Black, Chen and Cussatt
- 4-Watts and Zimarman
- 5-Impairment Charges
- 6-Information Asymmetry
- 7-Kim and Zhang
- 8-Business Risk
- 9-Litigation Risk
- 10-Reputation Risk
- 11-Watts
- 12-Weber, Willenborg, and Zhang
- 13-Lara, Osmá, and Penalva
- 14-Goh and Li
- 15-Ahmed and Duellman
- 16-DeFond, Chee and Zaang
- 17- Gao and Gu
- 18- Default Risk
- 19- Financial Distress
- 20- Chen and Church
- 21- Palmrose
- 22- Chen, Folsom, Paek, and Sami
- 23- Audit Quality
- 24- Audit Effort
- 25- Risk Premium
- 26- Johnstone and Bedard
- 27- Going Concern Opinion
- 28-Bankruptcy
- 29- Kaplan and Williams
- 30- Shu
- 31- Resign
- 32- Risky Clients
- 33- Krishnan
- 34- Suijs
- 35- Client Business Risk
- 36- Audit Risk
- 37- Auditor Business Risk
- 38-Fee Realization and Reputational Effects
- 39-DeFond and Zhang
- 40-Inherent Risk
- 41-Overstatements
- 42-Overvaluation
- 43-Dechow, Ge, Larson and Sloan
- 44-LaFond and Watts
- 45-Governance Mechanism
- 46-Ettredge, Huang and Zhang
- 47- Stice
- 48- Adverse Events
- 49-Negative Press Reports
- 50- Government Investigations of Audit Failures
- 51-Hennes, Leone, and Miller
- 52- Gigler, Kanodia, Saprà, and Venugopalan
- 53- Informativeness
- 54- Barth, Landsman, Ravel and Wang
- 55- Heflin, Hsu and Jin
- 56- Earnings Response Coefficients [ERCs]
- 57- Dichev and Tang
- 58- Remediabile Bias
- 59- Davis, Ricchiute and Trompeter
- 60- Hillegeist
- 61- Simunic
- 62- Seetharaman, Gul and Lynn
- 63- Francis and Krishnan
- 64- Bankruptcy
- 65- Kida
- 66- Kothari, Shu and Wysocki
- 67- Kim and Park
- 68- Loglikelihood
- 69- Restricted Loglikelihood
- 70- Loglikelihood Ratio Statistic (LR)
- 71- Mac Fadden R-Square
- 72- Khan and Watts
- 73- Endogeneity
- 74- Reverse Causality
- 75- Jarque-Bera
- 76- Dorbin Watson
- 77- Breusch and Pagan
- 78-OLS
- 79- Chow
- 80-Hausman
- 81-Wooldridge
- 82-Dummy Variable
- 83-Logit Model
- 84- Logistic Regression

کتاب‌نامه

۱. آقاییک‌زاده، مهدی، فروغی، داریوش و دستگیر، محسن. (۱۳۹۶). تاثیر محافظه‌کاری و تاخیر در افشای اخبار همزمان سودهای میان‌دوره‌ای و پیش‌بینی سودهای سالانه بر واکنش بازار سهام. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴ (۲): ۱۷۳-۱۹۶.

رابطه محافظه‌کاری با استراتژی‌های حساب‌رسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار/۱۳۳

۲. بنی‌مهد، بهمن و فلاح‌میرعباسی، سید سلمان. (۱۳۸۹). رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری با تغییر حساب‌رس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۲ (۷): ۹۵-۱۲۰.

۳. بنی‌مهد، بهمن، عربی، مهدی و حسن‌پور، شیوا. (۱۳۹۵). اشتباهات رایج در پژوهش‌های تجربی حسابداری. *دانش حسابداری مالی*، ۳ (۱): ۲۱-۴۵.

۴. حساس یگانه، یحیی، حسنی القار، مسعود و مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی دانشگاه تهران، ۲۲ (۳): ۳۶۳-۳۸۴.

۵. خواجه‌جوی، شکرالله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۴). کیفیت حسابرسی و محافظه‌کاری: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۷ (۲۷): ۱۹-۴.

۶. رضازاده، جواد و آزاد، عبدالله. (۱۳۸۷). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی دانشگاه تهران*، ۱۵ (۵۴): ۶۳-۸۰.

۷. شهبازی، مجید و مشایخی، بیتا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه نسبت بدهی، هزینه سرمایه و محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی. *دانش حسابداری*، ۵ (۱۶): ۳۳-۵۴.

۸. قدیم‌پور، جواد و دستگیر، محسن. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر عوامل ریسک دادخواهی حساب‌رسان بر حق‌الزحمه حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۸ (۳۰): ۳۷-۵۴.

۹. کردستانی، غلامرضا و ایرانشاهی، محمد. (۱۳۹۱). تاثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام. *دانش حسابرسی*، ۱۲ (۴۶): ۱۸-۳۳.

۱۰. کردستانی، غلامرضا و خاتمی، زینت. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و حسابداری محافظه‌کارانه با ریسک سقوط قیمت سهام. *دانش حسابداری مالی*، ۳ (۲): ۱۰۹-۱۳۰.

۱۱. کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه دوره تصدی حساب‌رس و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران، *فصل‌نامه بورس اوراق بهادار*، ۲ (۷): ۵۵-۸۰.

۱۲. مرادی، محمد، اصولیان، محمد و نوروزی، محمد. (۱۳۹۳). اظهارنظر حساب‌رس و مدیریت سود با تاکید بر ابهام در تداوم فعالیت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱ (۳): ۳۱۳-۳۲۸.

13. Ahmed, A., and Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1):1-30.

14. Barth, M., Landsman, W., Ravel, V., and Wang, S. (2013). Conservatism and the Information Content of Earnings. *Working paper*, Stanford University and The University of North Carolina.

15. Black, J., Chen, J. and Cusatt, M. (2017) The Association between SFAS No. 157 Fair Value Hierarchy Information and Conditional Accounting Conservatism. *The Accounting Review In-Press*.

16. Chen, K. C. W., and Church, B. (1992). Default on debt obligations and the issuance of going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 11 (2): 30-49.

17. Chen, L. C., Folsom, D. M., Paek, W., and Sami, H. (2014). Accounting conservatism, earnings persistence, and pricing multiples on earnings. *Accounting Horizons*, 28 (2): 233–260.
18. Davis, L. R., Ricchiute, D. N., and Trompeter, G. (1993). Audit effort, audit fees, and the provision of nonaudit services to audit clients. *The Accounting Review*, 68: 135–150.
19. Dechow, P. M., Ge, W., Larson, G., and Sloan, R. (2011). Predicting material accounting misstatements. *Contemporary Accounting Research*, 28 (1): 17–82.
20. DeFond, M. L., and Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58: 275–326.
21. DeFond, M. L., Chee, Y. L and Zaang, Y. (2016). Client Conservatism and Auditor-Client Contracting. *The Accounting Review*, 90(1): 69–98.
22. Dichev, I., and Tang, V. W. (2008). Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years. *The Accounting Review*, 83 (6): 1425–1460.
23. Ettredge, M., Huang, Y., and Zhang, W. (2012). Earnings restatements and differential timeliness of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (3): 489–503.
24. Francis, J. R., and Krishnan, J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16 (1): 135–165.
25. Gao, Y., and Gu, Z. (2014). Bond Rating Accuracy and Timely Loss Recognition in Earnings. *Working paper*, University of Minnesota.
26. Garsia, O. B., Gore, P, and Pope, P, F. (2007). Audit fees, non-audit fees and the conditional conservatism of earnings. <http://www.ssrn.com>.
27. Gigler, F., Kanodia, C., Sapiro, H., and Venugopalan, R. (2009). Accounting conservatism and the efficiency of debt contracts. *Journal of Accounting Research*, 47 (3): 767–797.
28. Goh, B. W., and Li, D. 2011. Internal controls and conditional conservatism. *The Accounting Review*, 86 (3): 975–1005.
29. Heflin, F., Hsu, C., and Jin, Q. (2015). Accounting conservatism and street earnings. *Review of Accounting Studies*, 20 (2): 674–709.
30. Hennes, K. M., Leone, A. J., and Miller, B, p. (2014). Determinants and market consequences of auditor dismissals after accounting restatements. *The Accounting Review*, 89 (3): 1051–1082.
31. Hillegeist, S. A. (1999). Financial reporting and auditing under alternative damage appointment rules. *The Accounting Review*, 74 (3): 347–369.
32. Johnstone, K. M., and Bedard, J. C. (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions. *The Accounting Review*, 78 (4): 1003–1025.
33. Kaplan, S., and Williams, D. (2013). Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach. *The Accounting Review*, 88 (1): 199–232.
34. Khan, M., and Watts, R. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48: 132–150.
35. Kida, T. (1980). An investigation into auditors' continuity and related qualification judgments. *Journal of Accounting Research*, 18 (2): 506–523.
36. Kim, J.B., and Zhang, L. (2014). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Contemporary Accounting Research* (forthcoming), Available at: <http://ssrn.com>: 1-66
37. Kim, Y., and Park, M, S. (2014). Real activities manipulation and auditors' client retention decisions. *The Accounting Review*, 89 (1): 367–401.
38. Kothari, S. P., S. Shu, and P. D. Wysocki. 2009. Do managers withhold bad news? *Journal of Accounting Research* 47 (1): 241–276.
39. Krishnan, J. (1994). Auditor Switching and conservatism. *The Accounting Review*, 69(1): 200-215.
40. LaFond, R., and Watts, R. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83 (2): 447–478.

41. Lara, J. M. G., Osma, B., and Penalva, F. (2009). Accounting conservatism and corporate governance. *Review of Accounting Studies*, 14: 161–201.
42. Lee, H., Li, X., and Sami, H. (2015). Conditional conservatism and audit fees. *Accounting Horizons*, 29 (1): 83–113.
43. Palmrose, Z.V. (1997). Audit litigation research: Do the merits matter? An assessment and directions for future research. *Journal of Accounting and Public Policy*, 16: 355–378.
44. Seetharaman, A., Gul, F., and Lynn, S. (2002). Litigation risk and audit fees: Evidence from U.K. firms crosslisted on U.S. markets. *Journal of Accounting & Economics*, 33 (1): 91–115.
45. Shu, S. (2000). Auditor resignations: Clientele effects and legal liability. *Journal of Accounting and Economics*, 29: 173–205.
46. Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18: 161-190.
47. Stice, J. (1991). Using financial and market information to identify pre-engagement factors associated with lawsuits against auditors. *The Accounting Review*, 66: 516–553.
48. Suijs, J. (2008). On the value relevance of asymmetric financial reporting policies. *Journal of Accounting Research*, 46: 1297–1321.
49. Venkataraman, R., Weber, J, P, and Willenborg, M. (2008). Litigation risk, audit quality, and audit fees: Evidence from Initial Public Offerings. *The Accounting Review*, 83 (5): 1315-1345.
50. Watts, R. (2003). Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17: 207–221.
51. Watts, RL. And Zimmerman, J, L. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall Inc, Englewood Cliffs, N.J.
52. Weber, J., Willenborg, M., and Zhang, J. (2008). Does auditor reputation matter? The case of KPMG Germany and ComROAD AG. *Journal of Accounting Research*, 46 (4): 941–972.